

گزارش «ایران» از اختلال در رعایت فاصله گذاری اجتماعی و شکنندگی وضعیت کرونا

لبخند تهرانی ها به کرونا



حمیده امینی فرد
خبرنگار

به دوران زیست مسالمت آمیز با کرونا خوش آمدید، حالا بیش از ۱۰۰ روز از آمدن کرونا به ایران می گذرد، در این مدت تلاش های زیادی شد تا به روزهای عادی پیش از کرونا برگردیم، اما در نهایت آنچه ماند «عادت به زندگی کرونایی» لقب گرفت. جامعه ایرانی که نه! جامعه جهانی حالا خودش را برای ورود به دوران جدیدی آماده می کند که قطعاً یکی از الزاماتش، پذیرش ویروسی به نام کروناست؛ ویروسی که تا به امروز هیچ ورژن ضعیف شده یا نشده و زور بازویی نتوانسته از عرض اندامش کم کند. اتفاقاً ضعیف که نشده با زیر خم گرفتن جوان ترها و افراد بدون هیچ بیماری زمینه ای، چموش تر هم شده است. برخی، اما هنوز اصرار دارند تا فریب تبلیغات خیالی کاذب را بخورند. چرایش هم ساده است! انکار کنید، راحت ترید. چون اگر بپذیرید باید ماسک را جزو قوانین هر روزه پوششتان به رسمیت بشناسید، باید دور حضور در جمع های شلوغ و پر ازدحام و دورهمی های دوستانه را خط بکشید، باید قید خریدهای بی دغدغه و بیرون رفتن های بی هدف را بزنید، باید در حمل و نقل با وجود خستگی روی صندلی نشانه گذاری شده ننشینید و باید ماسک را در گرمای طاقت فرسای تابستان امسال در هر مجموعه بسته ای روی صورتتان حفظ کنید. این راهکارها اما در نهایت ارزشش را دارد، چراکه نامتان را از لیست حدوداً ۹ هزار نفری فوت شدگان کرونا حذف می کند. اما آیا شهروندان تهرانی به این الزامات بویژه در این شرایط که حدود ۹۰ درصد کسب و کارها باز شده اند، توجه نشان می دهند؟! مشاهدات عینی حکایت از این دارد که نه! آمارهای رسمی از زبان علیرضا زالی، فرمانده ستاد مقابله با کرونای تهران نگران کننده تر از همه حرفهایی است که تا این لحظه شنیده اید. «۸۹ درصد تهرانی ها به کرونا روی خوش نشان داده و اما فقط ۱۱ درصد سبک جدید زندگی با کرونا را پذیرفته اند.» تلخی ماجرا از جایی شروع می شود که زندگی این ۱۱ درصد در گرو بازی این ۸۹ درصد است! وعده های

مسئولان از بازگشت محدودیت ها در صورت حاد شدن اوضاع حکایت دارد، اما حتی بازگشت به عدد سه رقمی مرگ و میرها و شلوغی بیش از ۲ درصدی حمل و نقل عمومی هم نتوانست جلوی اجرای دوباره طرح ترافیک را بگیرد. ■ **بازگشت آرام دستفروش ها به خیابان ها** میدان هفت تیر، بساط بلند بالای دستفروشان از نو چیده شده است. کافیس عصر یکی از روزهای هفته گذرتان به این میدان بیفتد، نه تعجب نکنید تا اسفند سال ۹۹ تقریباً ۸ ماه مانده است! رگال های فروش مانتو حتی تا وسط خیابان هم کشیده شده و اگر بخواهید از پیاده رو به سمت خیابان بهار یا مفتوح بروید، قطعاً خیابان گزینه ای بهتری است! دستفروش های ماشینی را هم به این حجم بساطها اضافه کنید. بساطی ها با اجازه یا بی اجازه به معابر بازگشته اند، اما کرونا نه اندازه بساطها را کوچک کرده و نه حتی کسی را وادار کرده تا فاصله اجتماعی بین هر بساط و خریدار و فروشنده را رعایت کند. از یک جمعیت حدوداً ۱۰۰ نفره، به جرأت شاید ۱۰ نفر هم ماسک زده اند، از دستکش که دیگر خبری نیست و اگر هم باشد آنقدر اجناس از اول تا آخر خیابان لمس شده اند که کافیس دستی ناخواسته به صورتی بخورد!

■ کباب قفقازی بابو و عطر کرونا

درهای رستوران ها و کافه ها بالاخره باز شدند. انتظارها تقریباً ۳ ماه طول کشید. خیلی ها کم کم یادشان رفته بود طعم کباب های قفقازی و چلوکباب های روغن چکه کن کبابی های پر طمطراق تهران را! حالا تقریباً یک هفته از بازگشایی رستوران های پر ریسک می گذرد، ظرفها تماماً یک بار مصرف شده، گالن های ضد عفونی دست به دست می چرخد. گارسن ها با ماسک و دستکش سرویس می دهند، گران ترها، دستگاه های ضد عفونی کننده عجیب و غریب کار گذاشته اند. مشتری ها اما به زحمت ماسک زده اند، حواسشان بیشتر از آنکه به بهداشت اطرافشان باشد، به نرخ ها و غذاهای محدود شده در منوهاست. اعتراضی هم اگر می شنوید دقیقاً به همین منظور است، صندلی ها باید یک در میان پر شود، اما مشتری ها گوششان به این حرف ها بدهکار نیست، همین که بوی سس آلفردو در هوا

بلند می شود، فاصله گذاری از سرشان می پرد. از ۱۰ نفر مشتری به ندرت دونفر از جایشان بلند می شوند تا دستشان را بشویند. همین مایع ضد عفونی کننده را هم به زحمت روی دست کسی می بینید! اما اتفاقی که افتاده رستوران ها خلوت است، اضطراب اجتماعی همچنان اجازه تازه واردها به رستوران ها را نمی دهد. از چند روز پیش اجبار به استفاده از ماسک در مترو، اتوبوس و حتی تاکسی شدت گرفته است. ۱۰ روز پیش را فراموش کنید، حالا اجبارها آنقدر جدیست که هیچ کس بدون ماسک نمی تواند از گیت سخنگیرانه مأموران مترو رد شود. داخل واگن ها اما برخی حتی برای ۱۰ دقیقه هم که شده، یک ماسک معمولی را تحمل نمی کنند، با هر بساط دستفروشی بر می دارند و شروع به حرف زدن می کنند.. خیلی ها اما برخلاف آنها با ماسک ها خو گرفته اند. مأمور باشد یا نباشد، مسئولیت اجتماعی یادشان نمی رود! دور پول نقد را خط کشیده اند. کارت های اعتباری این روزها سبک زندگی همه ما را تحت الشعاع قرار داده، اجبار اجتماعی نباید یادمان برود. زندگی همه ما حالا در گروی زندگی دیگرست. تعارف ها را کنار بزنید، فنجان چای سینی آبدارخانه را فراموش کنید. برای مدتی با علاقه مندی هایمان خدا حافظی کنیم. تفسیر خبرها را به خبره ها بسپاریم.

■ بلال های نوبرانه در سطل های داغ!

پارک ها دوباره به روزهای اوجشان بازگشته اند. قیطره، ملت، غرب یا شرق فرقی نمی کند، هوا که کمی خنک شد، سیل جمعیت به سمت ورودی ها سرازیر می شود، کودک، جوان، سالمند... فاصله فیزیکی در پارک ها حتی به نیم متر هم نمی رسد، ماسک و دستکش ها در پارک ها هیچ الزامی ندارند، معدود آدم هایی را می بینید که ماسک زده در حال دویدنند. زمین های بازی کودکان در محاصره بزرگ ترهای بدون ماسک قرار دارند. بلال های نوبرانه روی زغال های داغ دست به دست می شوند و سطل آب نمک حتی یکبار هم خالی نمی شود، غرفه پارک باز است و کسی بدون آنکه حتی دستش را بشوید، تا آرنج چندین بار بلالش را در سطل می زند و بیرون می آورد.

مشروح این گزارش را

فردا در روزنامه ایران بخوانید.

#خوزستان

یگانه خدای
خبرنگار



خبر عجیبی که درباره استان خوزستان منتشر شد بار دیگر توجه ها را به این استان درگیر بحران کرونا، جلب کرد. سرپرست مرکز بهداشت استان خوزستان صبح امروز اعلام کرده از ۲۹ هزار نمونه تست گرفته شده از افراد مشکوک به بیماری کرونا در خوزستان؛ ۱۱ هزار نمونه پاسخ داده شد و ۱۱ هزار نمونه مفقود شده است. گم شدن تست کرونا آنقدر عجیب بود که بسیاری از کاربران با نابوری درباره اش می نوشتند و خیلی ها هم از این می گفتند که در شرایطی که اکنون خوزستان به علت شیوع کرونا دارد، گم شدن تست ها شرایط را بحرانی تر می کند. البته ساعتی بعد رئیس دانشگاه علوم پزشکی اهواز گفت: شایعه مفقود شدن ۱۱ هزار تست مربوط به موارد مشکوک به کرونا در خوزستان کاملاً کذب است. به گفته فرهاد اوبل نژادیان، تاکنون ۵۰ هزار و ۳۴۲ نمونه تست در استان خوزستان گرفته شده که ۳۴۶۵ نمونه تست به دلیل برخی اشکالات تکنیکی در نمونه گیری قابل آزمایش نبوده و باید مجدد تست انجام شود. با این همه تا این توضیح ارائه شود، کاربران شبکه اجتماعی این چنین درباره اش نوشتند:

- «و اینگونه کرونا را در خوزستان شکست می دهیم»
- «اگه می گفتن سوزنی در میان کاه گم شد برام قابل باور بود اما گم شدن ۱۱ هزار تست چطوری؟! سخته باورش»
- «از عجایب امروز میشه به گم شدن ۱۱ هزار نمونه تست کرونا اشاره کرد»
- «حالا سلطان تست رو بگیرنش تو دادگاه میگه: اینکه چیزی نیست، من رفیقایی دارم لب تر کنم ۲۰ هزار تست به نامم میزنن، چیکار کنم شما ازین رفیقا ندارید.»
- «یعنی دلار و یورو تموم شد الان تست کرونای ملت رو میدزدن؟»
- «خوزستان به قدری شلوغه که تست کرونا هم با کارتنش گم میشه»
- «یعنی دزد یازده هزار نمونه تست کرونا را می خواسته چیکار کنه؟»
- «۱۱ هزار تا تست کرونا که چیزی نیست ما قبلاً دکل نفتی هم گم کردیم»
- «اینکه دیگه ارز دولتی نیست. ببرید بذارید سر جاش»
- «این ماجرای گم شدن ۱۱ هزار تست کرونا توی خوزستان دیگه شاهکاره. شماها دیگه کی هستین»
- «تست کرونا پا داره که گم بشه؟ عبور و مرور می کنه؟»
- «آزمایش ها رو هم اختلاس کردن».